

ایران

— 202


امام هادی علیه‌السلام:

دنیا بازاری است که گروهی در آن سود برند و دسته‌ای زبان ببینند.

بخارا اتوار، ج ۷، ص ۲۶۶

نگاره



احمد رضا سهرابی / طراح و کارتون‌نویست

فضای مجازی

دعا برای توفیقات سلب‌شده

صفحه مجازی منتسب به آیت‌الله فاطمی نیا درباب ماه رجب و ذکر و دعای این ماه پربرکت آورده: «مرحوم استادفاطمی نیا (رحمةالله علیه): ماه رجب ماه بسیار پرفضیلتی است. این ماه را به جهت اینکه ماه ریزش رحمت الهی است، اسبٔ گویند. ماه رجب، ماه توبه است. عمده کار در این ماه «استغفار» است. همچنین یکی از ادکاری که اگر به معنای آن توجه کنیم بسیار مؤثر است، ذکر «یا قلیل القترات» است.

(ای خدایی که لغزش‌ها را اقاله می‌کند و نادیده می‌گیرد) گاهی مواقع در اثر گناه، بعضی توفیقات از انسان سلب می‌شود؛ اگر این ذکر را با توجه و حضور قلب در قنوت یا سجده خود بگویند، توفیقات بازمی‌گردد.»



غرق شده در شکست

سیدعزت‌الله ضرغامی به صحبت‌های رئیس‌جمهور در همایش بین‌المللی طوفان الاقصی اشاره داشته در توئیترخود نوشته است:

(عبارت زیبایی «عراق فی الفشل»، (غرق شده در شکست) که سیدحسین نصرالله گفت، چکیده وضعیت امروز رژیم صهیونیستی است. این سخنان، مؤید اظهارات صریح و قاطع دیروز رئیس‌جمهور

در «کنفرانس بین‌المللی طوفان الاقصی و بیداری وجدان‌های بشری» است.»



آرژتا موگویی با انتشار عکسی درگذشت امیرفرشید رحیمیان را تسلیت گفته و در شرح آن نوشته: «فرشید رحیمیان آهنگساز تحصیل‌کرده و سطح بالا و نوازنده‌های چیره‌دست و از همه اینها مهم‌ترانسانی دوست‌داشتنی و یکرنگ بود. آرزوی صبر و آرامش دارم برای پوریا سپهرنمندش و همینطور آقای همایون رحیمیان محترم.» دیگر هنرمندان عرصه سینما و موسیقی هم با انتشار پیام‌های متفاوت در صفحه مجازی خود درگذشت این هنرمند را تسلیت گفته‌اند.



فارغ از مسابقه چون من نویسنده‌اش نیستم و مترجمم راحت می‌گویم، کتابی خواندنی است. سفرنامه اسرائیل از دید یک انسان طرفدار صلح با اسرائیل!»



خانۀ بلوط، تابلوهایش را به نمایش بگذارد. با ذوق استقبال کرد. نمایشگاه افتتاح شد و از فردا دانش‌آموزان برای بازدید به خانۀ بلوط اکیراه‌آباد می‌آیند، همچنین کارگاه نقاشی برگزار می‌شود.»



همراهی و حمایت تک‌تک شما دوستان از صمیم قلب سپاسگزاریم.»



داد و لشکر ایران با اندوه و تقدیم شهدای زیاد شکست خورد. با پیروزی عثمانیان در نبرد چالدран، بخشی از آناوتولی شرقی به قلمرو عثمانی ضمیمه و دیار بکر از دست رفت. ضربه‌ای که در چالدران بر شاه‌اسماعیل وارد آمد، تأثیر عمیقی بر او گذاشت و تا پایان عمر از خالت جدی در اداره امور حکومتی کناره گرفت، در هیچ جنگی شرکت نکرد. پس از چالدران کسی شاهر را خندان ندید. قزلباش‌ها هم اعتقاد غلوآمیز به مرشد کامل را کاستند و نبرد افزایش یافت. اما عثمانی‌ها هیچ‌وقت نتوانستند ایران را ضمیمه قلمرو خود کنند و مردم را به دست برداشتن از مذهب تشیع وا دارند.»

- صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
- سر‌مدیر:** حسام‌الدین برومند
- معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری
- دبیران:** مصطفی عیوضی (سیاسی)
- مهدی مهرپور(اقتصادی)
- ززین رستمی‌وند (اجتماعی)

- بنفشه غلامی (جهان)
- لیدا فخری (اندیشه) • محمدرضا عزیزی (گزارش)
- زهرا کشوری (زیست‌بوم) • فرناز قلعه‌دار(حوادث)
- مهدی کلهرزاد(اجرابی)
- حجت حکیمی (صفحه‌آرایی)
- محسن جانی‌پور (ویراستاری)
- ابوالفضل نیسانی(عکس)

یادداشت


دکتر رضا
ماحوزی

استاد فلسفه غرب و عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی

در رئای دکتر کریم مجتهدی

استادی که خود را معلم فلسفه می‌خواند

زندگی کرده و خود را سرمشق فیلسوفان و معلمان پسین خود ساخته‌اند. اراده به دانستن، یک موضوع دائمی و استمراری است و با پایان تحصیلات رسمی خاتمه نمی‌یابد؛ چنانکه معلم راستین فلسفه چنین است.

بیش از آن، معلم راستین فلسفه جلوی سهل‌انگاری‌ها و مصادره به مطلوب‌ها می‌ایستد و حتی همچون سقراط حاضر است در این راه هزینه هم بدهد. او هم پرسشگر است و هم معلم. او با «نمی‌دانم» راه را بر خود باز می‌کند تا برای فهمیدن گام پیش نهد و از نظریه و ایده‌ای به نظریه و ایده‌ای دیگر گذر کند و در گفت‌وگو با ایده‌ها و دانشمندان و فیلسوفان و تأملات خود، آنچه درست و صحیح است بیاید. بنابراین، این «نمی‌دانم» روی دیگر سکه «می‌خواهم بدانم» و «اراده معطوف به دانایی» است. اراده در اینجا معطوف به دانایی است نه حرافی و استفاده از تعبیرهای زیبا و تیت‌های به‌ظاهر عالمانه اما به‌واقع تهی از نگاه عمیق فیلسوفانه به نحوی که بتواند بر آنچه ادعا می‌کند دلیل آورد و یا بتواند مفاهیم به‌کار گرفته شده در این تیت‌ها و عناوین را تعریف کند و تبیین نماید. به این معنا، فیلسوف «معلم روش اندیشیدن» بر او عمل و برای دیگران است. فیلسوف معلمی است که در وهله نخست با خود خویش صادق است و تلاش می‌کند خود را از نادانی‌های پشند و نه همچون حرافان و خطیبان و سوفیست‌ها چشم‌ها را پر کند و اعتباری دروغین برای خود بسازد. فیلسوف از این راه می‌تواند معلمی راستین برای شاگردان و دانشجویان خود باشد؛ راهی صادقانه که اراده معطوف به دانایی و استمرار و صداقت و آزادی را در عمل به خدمت می‌گیرد و این منش را در ذهن و جان دانشجویانش می‌نشانَد.

مرحوم مجتهدی همین سبب‌های معلمی و فلسفه‌ورزی را نیز دانشگاه‌های درحال احیای امروز ایران می‌دانست. به گفته او، نخستین قاعده رایج در دانشگاه‌های ما آن است که برخی استادان، نه معلم‌اند و نه دانشجو. برخی از آنان به هویت پیشه خود التفاتی ندارند و معاش‌شان را بر هویت حرفه‌ای خود مقدم داشته‌اند. آنان از خودگذشتگی سقراطی ندارند و مقید به آزادیگی نیستند. علاوه‌براین، استادان و دانشمندان دانشگاهی ما گاه چنان شیفته یک مرام و اندیشه می‌شوند که توان اندیشیدن به دیگر افکار و نظریه‌ها را از دست می‌دهند. آنان بیشتر شیفته خود و مرام‌شان می‌شوند و نمی‌توانند همچون فیلسوفی معلم، حقیقت را پیشه خود سازند. برخی از این دست استادان با این خودبینی‌ها و خودشیفتگی‌های افراطی، فرهنگ را کشته و بی‌معنی می‌سازند. در این فضای مصنوعی و غیرزنده، همه به‌ظاهر راضی‌اند اما آنچه به‌واقع جریان نمی‌یابد فکر آزاد، عمیق و اصیل است. کار فلسفه در دانشگاه باید معطوف به نقد این فضا و باز کردن فضایی بهتر برای طرح اندیشه‌های عمیق و اصیل باشد. دانشگاهی که فاقد روح نظر‌ورزی، انتقاد، بحث و گفت‌وگو باشد، اساساً دانشگاه نیست.

آنچه مرحوم مجتهدی در این نشست بیان داشت، درواقع «درد و درمانی» است که از منظر یک استاد فلسفه که با اصرار خواهان عنوان «معلم» برای خویش است، بیان شده است؛ معلمی که با نگاهی به گذشته دانشجویی و استادی و پژوهشگری خود در هفتاد سال قبل، بشدت جای فلسفه به عنوان یک منش و روش را در دانشگاه‌ها و در فضای فرهنگی ایران احساس می‌کند: درد و درمانی که هم می‌تواند با به حرکت درآوردن اندیشه‌ها و فکرها درآور باشد و هم می‌تواند درمانی بر کرتخی و خفتگی فرهنگ و دانشگاه ما ایرانیان باشد.

برای آن معلم نیک‌منش و نیک‌گفتار نام و بیادی ماندگار در پهنه فرهنگ این سرزمین آرزو می‌کنم. یادش گرامی

***بی‌نوشت:**

این گفتار در کتاب «فلسفه دانشگاه: تأملاتی درباره دانشگاه در جهان و ایران» ویراسته رضا ماحوزی توسط انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی در سال ۱۳۹۸ منتشر شده است.

- تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰؛ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پيامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۳۲ روابط عمومی **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
- صندوق پستی:** ۱۵۸۷۵-۵۳۳۸۸ **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰
- چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷۰(۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵



دیدید که چه بی‌زنک و ربا بود زمستان؟
مظلوم‌ترین فصل خدا بود زمستان
بود هرچه فقط بود سپیدی و سپیدی
اسمی که به او بود سزا بود زمستان

در فصل خودش، شهر خودش، بود غریبه
مظلوم‌ترین فصل خدا بود زمستان

سعدی

کلمه

دوستدار راستین حکمت

صبح دیروز استاد عالیقدرمان آقای دکتر کریم مجتهدی، فیلسوف و چهره‌ماندگار فلسفه دار فانی را وداع کرد و به دیار حق شتافت. جامعه فکری و فرهنگی کشورمان به سوگ یکی از بهترین فرزندان اصیل خود نشست که در سراسر زندگی، همواره «درد هویت» داشت و از شایسته‌ترین الگوهای علمی در دوران معاصر به‌شمار می‌رفت. بسیاری از علاقه‌مندان به اندیشه، فلسفه و فرهنگ در ایران از علم و معرفت او، چه از طریق تألیفات ارزشمند، تحقیقات وآورانه و ترجمه‌های ایشان و چه از طریق سالیان دراز تدریس منحصربه‌فردشان، برخوردار شده‌اند. کوشش‌های دکتر کریم مجتهدی در مقام استاد برای تربیت نسل‌های فرهیخته کشورمان، از خدمات برجسته او در بیش از نیم‌قرن گذشته به مردم کشورمان است که باید قدر دانسته شود.



بر اهل نظر روشن است که دکتر مجتهدی از ستون‌های تفکر فلسفی و فرهنگی ایران به‌شمار می‌رود و خالق آثار مرجع بسیاری است، اما آنچه که استاد را از یک متفکر ممتاز به یک «متفکر متمایز» در دوره ما تبدیل کرد، صرفاً دانش گسترده و توانایی علمی ایشان نبود، بلکه دست‌کم چهار ویژگی دیگر نیز در وجودشان تحقق یافته بود که من در مقطع تحصیل دکتررا در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و در تمام طول دوره دانشجویی‌ام، شاهد آن بودم: اول، اشتیاق به یادگیری دائمی؛ دوم، تعهد به ایران‌دوستی؛ سوم، پاسداری از زبان فارسی و چهارم، دغدغه آینده فرهنگ است. همین ویژگی‌ها، استاد مجتهدی را به معلم بزرگ دوران و یک متفکر فرهنگی اصیل تبدیل ساخت.


آنچه که
استاد را از یک
متفکر ممتاز
به یک «متفکر
تمتایز»
در دوره ما
تبدیل کرد،
صرفاً دانش
گسترده و
توانایی علمی
ایشان نبود،
بلکه دست‌کم
چهار ویژگی
دیگر نیز در
وجودشان
تحقق یافته
بود که من
در مقطع
تحصیل دکتررا
در پژوهشگاه
علوم انسانی
و مطالعات
فرهنگی
و در تمام
طول دوره
دانشجویی‌ام،
شاهد آن
بودم

۳- حافظ زبان فارسی

عشق به اصالت فرهنگی ایران نزد دکتر مجتهدی شامل آدابی گوناگون از جمله پاسداری از «زبان فارسی» است. برای شناخت اوج حساسیت دکتر مجتهدی درباره پاسداری از زبان فارسی، کافی است به این رای فیلسوفانه ایشان رجوع کنیم که می‌گویند «تظاهر به زبان‌های خارجی، نشانه نوعی اختلال شخصیت و جهل مرکب است. سرازیر شدن لغت‌های خارجی در زبان فارسی، برای تظاهر و اثبات خود و خودنمایی است». استاد معتقد بود یادگیری زبان برای جوانان و دانشجویان خوب است، چنانکه خود نیز به چندین زبان خارجی تسلط داشتند و در کلاس درس به ما نیز تکلیف می‌کردند تا زبان لاتین را بیاموزیم و حتی از ما امتحان می‌گرفتند، اما می‌گفتند نباید «زبان دانی» را با «تظاهر به زبان» اشتباه کرد.

۴- دغدغه آینده فرهنگ

دکتر مجتهدی، همواره دغدغه «آینده فرهنگ» را داشت و درباره آن تأملات فیلسوفانه می‌کرد. گره‌گشایی از کار فرهنگ نزد او از رسالت‌های فیلسوف دانسته می‌شد و در این زمینه نیز چشم به اصالت‌ها و ریشه‌ها داشت. در این‌باره، بدون هیچ تمهید مقدمه‌ای، صرفاً روز ملی حکیم ملاصدرا نقل می‌کنم که گویاتر از هر شرحی است؛ جایی که به صراحت می‌فرماید: «من بیشتر متخص فلسفه غرب هستم، ولی مدافع فلسفه غرب نیستم. با تأمل در فلسفه غرب به امکانات بیشتری در فلسفه خودمان دست خواهیم یافت، اما فلسفه صدرا، سهروردی و میرداماد و… می‌تواند آینده فرهنگ ما را تضمین کند.»